

باسمه تعالی



نوبت امتحانی: نوبت اول

پایه: دوم

تاریخ امتحان: ۹۴/۱۰/۱۲

شماره ردیف:

مدت امتحان: ۶۰ دقیقه

سازمان آموزش و پرورش فارس

مدیریت آموزش و پرورش لارستان

دبیرستان غیر دولتی گوشا (دوره دوم)

نام:

نام خانوادگی:

نام پدر:

نام درس: ادبیات فارسی ۲

شماره صفحه: ۱

چشم زار و آلوده
ملک

الف) عبارت ها و شعرهای زیر را معنی کنید.

- ۱ چشم ما را ضیای خود ده و ما را آن ده که آن به و مگذار ما رابه که و میه .
چشم ما را با نور خود روشن گردان و به ما آن چیز بده که بهترین است و ما را به بندگان خود راجع بود و
- ۲ علی ای هُمای رحمت تو چه آیتی خدا را / که به ما سوا فکندی همه سایه ی همارا
علی ای نسان رحمت الهی، تو مظهر لطف و بخشش الهی هستی رسای لطف خود را بر همه موجودات
اقتده
- ۳ بر او راست خم کرد و چپ کرد راست / خروش از خم چرخ چاچی بخواست
رستم بر او یزاد دست چپ خود را راست و دست راست خود را خم کرد، فریاد از زلفان برخواست
- ۴ سزد گر بداری مهرش در کنار / زمانی بر آسای از کلزار
سزاوار است که سراسب خود را در اعوش بگیرد و زمانی از جنبلین اسوده باشی
- ۵ « شلخته درو کنید تا چیزی بگیر گوشه چین ها بیاید.»
در درو کردن سفت گیرند تا چیزی گیر نیازمندان بیاید (نیازمندان هم بهره ای ببرند)
- ۶ فلک باخت از سهم آن جنگ بزرگ / نبود سهمگیر جنگ شیر و پلنگ
آسمان از ترس آن فلک ریش تغییر کرد زیرا نمرد پهلوانان سنگین است
- ۷ پرید از رخ کفر در هند رنگ / تپیدند بت خانه ها در فرنگ
از شدت خند آن دو پهلوان پهلوانان رسیدند و بیت خانه ها در لشورها فرو ریخت
- ۸ راه بیابان را به رویمان باز گذاشته اند / و از سایه های آبی رخارهای سرخ فرو ریخت
ما را تبعید کرده اند و هوا بیماهای دشمن از آسمان بر سرمان سب فرو ریخت

- ب) واژه های مشخص شده را در متن های زیر معنی کنید.
- ۱- به دو چشم خون فشانم هله ای نسیم رحمت / ۲- کمان به زه را به بازو فکند. / ۳- چو سوفارش آمد به پهنای گوش / ۴- تهمتن بدو گفت بر خیره خیر / ۵- به سوی هزبر ژبان کرد رو / ۶- با حال استیصال پرسیدم / ۷- آن وقت از برده های جدید سان دیدم / ۸- ماه ایارش، آواز ماست.
- گام هایش / همان آماده / استهایش
- دربانندی / عبور از طولی کسی / فرداد
- ج) درک مطلب، شعر زیر را بخوانید و به پرسش های آن پاسخ دهید.
- بر دهانش زنجیر بستند / دست هایش را به سنگ مردگان آویختند / و گفتند: تو قاتلی / از تمام بندرگاه هایش راندند / زیبای کوچکش را ربودند / و گفتند: تو آواره ای / ای خونین چشم و خونین دست / به راستی که شب رفتنی است / نه اتاق توقیف ماندنی است / و نه حلقه های زنجیر / ز یرون مُرد، اما رُم نمرده است / با چشم هایش می جنگد

- ۱ نام این شعر چیست؟ شاعر آن کیست؟ از بد آسان محمود درویش
- ۲ مقصود از «سنگ مردگان» در مصراع دوم چیست؟ سنگ سنگین
- ۳ منظور از «زیبای کوچکش را ربودند» چیست؟ تصرف فلسفین
- ۴ لقب شاعر این متن چیست؟ شاعر فلسفین
- ۵ مقصود از «ز یرون مُرد، اما رُم نمرده است» و «با چشم هایش می جنگد» چیست؟
همه زلفان دشمن / فالع روم از زمین رفت / اما رُم با یو است / فلسفین نیز زنده و با یو خواهد ماند. (هـ ز) با آگاهی مبارزه می کند. (هـ ز)

(د) دانش های ادبی

۱ دو نمونه از آثار حماسه ی مصنوع را نام ببرید. جمله ی صید (۲۵)، فاروان نامه (۲۵)

۲ در بیت زیر چه آرایه ی ادبی به کار رفته است؟ مشخص کنید. واج آرای (۲۵)، خ از (۲۵)
« خیزید و خز آرید که هنگام خزان است / باد خنک از جانب خوارزم وزان است »

۳ آثار زیر از چه کسانی است؟

الف) زادالعارفین: ب) بچه های آسمان: مجید مجیدی

ج) سالاری ها: بزرگ علوی د) سووشون: سیمین

۴ دو گونه ی رایج ادبیات نمایشی: ۱- فیلم نامه ۲- نمایشنامه است.

۵ در جمله ی زیر چه آرایه ی ادبی به کار رفته است؟ تشفین (۲۵)، پارادوکس (۲۵)
« غرش باد آوازه های خاموشی را افسار گسیخته کرده بود. »

۶ محمدعلی جمال زاده را آغازگر سبک نثر واقعگرایانه (۲۵) معاصر و پدر دراماتیک نوین (۲۵) دانسته اند.

(ه) خود آزمایی

۱ در عبارت « بر کشته های ما جز باران رحمت خود مبار » مقصود از « کشته ها » چیست؟ اعمال

۲ « تو قلب سپه را به آیین بدار » یعنی چه؟ تو در کفرماندهی را صوب حفظ کنی.

۳ در شعر « تو را می خوانم » مقصود شاعر از جمله ی « ما این را از گذشته به ارث می بریم » چیست؟

۴ عبارت های کنایی زیر را معنا کنید.
عظمت و زرنگی کشورشلی نییم تلاش، بشندار ورنج مردم است.

رنگ شب پریده / برنج این ولایت بهش نمی ساخت / سماق مکیدن / سردی و خشکی از سر تا پایش می بارید

ترسیده (۲۵) ناسازگاری (۲۵) منتظران (۲۵) بی عاقبت بودن (۲۵)

۵ زیتون نماد چیست و نشانه ی کدام کشور است؟ نماد صلح و دوستی (۲۵)، فلسطین (۲۵)

۶ عبارت « از ماست که برماست » در چه موردی به کار می رود؟ در موردی که شخصی، از نزدیکیان

خود اسیر ببند.
(و) حفظ شعر

۱ ابیات زیر را کامل کنید:

« بر خیز و مخور غم جهان گذران / بنشین و درمی به ستادمانی گذران »

« بخت جوان ما را دادن جان کار ما / قافله سالار ما فخر جهان مصطفاست »

۲ جای نقطه چین را پر کنید:

« خلق جو مرغابیان زاده ز دریای جان / کی کند این جا مقام مرغ کز آن بحر خاست »

« در طبع جهان اگر و نهایی بودی / نوبت به تو خود بنامداری از دگران »